



## اعتقاد و دلبستگی عمیق ایرانیان به آئین کهن ملی

(۵)

### نهضت ایرانیان در نقل و ترجمه کتب

از اواسط نیمه اول قرن دوم هجری، یعنی از سال ۱۳۲ هجری پس از سقوط دولت امویان و تشکیل دولت عباسی که به همت و پایداری ایرانیان تأسیس گردید، چون سیاست دولت عباسیان نسبت به موالی و ملل غیر عرب به ویژه ایرانیان تغییر کرد و نژاد ایرانی در همه شئون خلافت و حکومت نفوذ و دخالت یافت طبعاً به سائمه سابقه‌ی که ایرانیان در تمدن داشتند به ترویج علوم و فنون شروع کردند، حتی خلفای عباسی هم از این حیث تحت تأثیر محیط ایرانی خود قرار گرفتند و بهمین سبب توجه به علوم و ترجمه و نقل کتابهای علمی از یونانی و پهلوی و سریانی و هندی شروع شد. از میان خلفای عباسی نخستین کسی که به علوم توجه کرد ابو جعفر منصور دوانقی است. در همین ایام یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی که مهر وطن را به میزان غیر قابل وصفی در دل می‌پروراند بی آنکه از منصور فرمان و اقبالی یافته باشد، با شوق و شوری عجیب به ترجمه برخی از کتابهای منطق و ادب و

\* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ‌نویسان محقق معاصر

تاریخ از پهلوی به عربی مبادرت کرد و وجود او به تنهایی مایه تحولی عظیم در ادب و فرهنگ عرب گردید چون آشنائی کامل به تاریخ و آداب و زبان کشور باستانی خود داشت و زبان تازی را نیز تا سرحد کمال میدانست و از حکیم‌ترین و هوشیارترین مردم روزگار بود. او روزبه یا داد به پسر جشش معروف به ابن مقفع است که از مردم شهر جوز (فیروزآباد) فارس بود و پس از قبول اسلام بنام **عبدالله بن مقفع** نامیده شد و ابو محمد را کنیه خود قرار داد. پدرش مقفع پسر مبارک است. **ابن خلکان** در ذیل ترجمه **حسین بن منصور حلاج** گوید: «**عبدالله بن مقفع** کاتب مشهور به بلاغت است.»

«صاحب رسائل بدیعه عبدالله از اهل فارس و در اول زرتشتی بود سپس بدست **عیسی بن علی عموی سفاح و منصور** خلفای عباسی مسلمانی گرفت و در خواص عیسی درآمد و کاتبی او کرد.» **وهیثم بن عدی** گوید: «**ابن المقفع** نزد عیسی بن علی شد و گفت مسلمانی در دل من راه کرد و خواهم بدست تو مسلمانی گرفتن. عیسی گفت اسلام آوردن تو فردا به محضر قواد و جوه مردمان سزوارتر و چون عشا بگستر دهند **ابن مقفع** بر خوان هم به رسم مجوسان زمزمه گرفت و عیسی بدو گفت با نیت مسلمانی نیز زمزمه آری... گفت آری نخواهم شبی را بی دین بروز کردن و بامداد بدست عیسی مسلمان شد و **ابن مقفع** با همه فضل مطعون به زندقه بود.»

بهر حال، **ابن مقفع** بخوبی میدانست که انقراض يك قوم به مغلوبیت سیاسی و نظامی آن نیست بلکه فناى آن مترادف با نیست شدن آداب ملی و تاریخ و اخلاق و عادات و یادگارهای باستانی آن است بنابراین از روی ذوق شخصی آنچه توانست از کتابهای ایران قدیم را که متضمن این فضایل بود از طریق نقل و ترجمه از زبان و خط پهلوی به عربی در آورد و از انقراض نجات داد و منظور از این کار آن بود که هم مسلمین غیر عرب را به حشمت و شوکت ایران قدیم آشنا کند و هم ایرانیان مسلمان را به یاد جلال و درخشانی آداب و اجداد با فروجه خود بیندازد و دلایل و شواهدی بدست ایشان دهد تا کمیت هم وطنان او در مقابل عرب که به نسب خود و اخبار گذشتگان خود میباید لنگ نمایند. و نیز افکار و عقاید دینی و حکمتی و اخلاقی ایران عهد ساسانی که **ابن المقفع** خود تربیت شده آنها بود و با طبع ایرانیان نیز کمال سازش را داشت در میان ایرانیان دوباره ریشه بدواند و فکر و تدبیر ایشان را در میدان مبارزات فکری و مجادلات مذهبی تقویت نماید. **ابن مقفع** بقدری در این راه ملی فعالیت کرد که **ابن خلکان** مینویسد، **مهدی** خلیفه گفته است، «من هیچ کتاب زندقه بدست نیاوردم که اصل آن از **ابن مقفع** نباشد.» این اندیشمند بزرگ ایرانی سرانجام بعلت عشق زاید الوصف خود به میهن، طبق دستور **منصور دوانقی**، بدست **سفیان بن یزید بن المهلب بن ابی صفره** والی بصره با وضع بسیار فجیع و ناراحت کننده‌ای به شهادت رسید. بدن این دانشمند عالیقدر و کم نظیر را که در مدت عمر کوتاه ولی پر ارزش خود یعنی ۳۶ سال با جوش و

خروش و صف‌ناشدنی ارزنده‌ترین خدمت را به نهضت علمی و فرهنگی ایرانیان کرد تکه‌تکه کردند و در آتش شعله‌ور تنوری که برای همین کار آماده کرده بودند افکندند. با بیان مطالب بالا بخوبی در خواهیم یافت که ایرانیان در دوران شوم تسلط تازیان بر ایران بعلت اعتقاد و دلبستگی عمیق به آئین کهن خود، هنگامی که امکان فعالیت سیاسی برای رهائی میهن از دست بیگانگان نبوده است، کوشش خود را در راه نهضت فکری که تأثیر آن بمراتب از نهضت سیاسی بیشتر است بکار برده و سرانجام به توفیق سیاسی نیز نائل شده‌اند. و از طریق دخالت کردن و راه یافتن در زبان و ادبیات قوم غالب (اعراب) مأموریت خطیر خود را انجام دادند و تأثیری عمیق در آن بجا گذاردند که به تصدیق عموم محققان غیر قابل انکار است.

مهمترین نتیجه این کار، ترجمه و نقل کتب پهلوی به نثر و نظم عربی است که آداب و رسوم و سنن کهن ایرانی و هم‌چنین علوم و تجربیات خیره‌کننده ایرانیان مربوط به دوران قبل از اسلام در آنها مورد بحث قرار گرفته است. بی‌تردید اگر اعتقاد و دلبستگی ایرانیان به آئین کهن ملی و تدبیر دانشمندان متفکر و عاقبت‌اندیش ایرانی در انتخاب این راه مهم فکری یعنی راه یافتن به زبان و ادبیات عرب و نقل و نشر آثار کهن ایرانی به آن زبان نبود با در نظر گرفتن تعصب عجیب تازیان برای از بین بردن کتابهایی که به قول آنان به مجوس و زنادقه مربوط بود هیچ‌گونه آثار علمی و ادبی از دوران افتخار آمیز گذشته ایرانیان، مربوط به قبل از تسلط تازیان بر ایران، بدست ما نمی‌رسید چنانکه عده بسیار کثیری از این کتابها بطور کلی از بین رفت و حتی نامی از آنها باقی نماند. درود بروان اینگونه اندیشمندان عاقبت بین که برای به‌ثمر رسیدن آرمان مقدس نهضت فکری ایرانی از هیچ‌گونه کوشش و فعالیت دریغ نکردند و سرانجام جان خود را بر سر این کار عظیم ملی گذاردند.

### نتیجه‌گیری کلی

ایرانیان در مقابله با دشمنان خود بویژه اقوامی که برای مدتی محدود بر ایران غالب شده‌اند از طرق مختلف سیاسی و فکری مبارزه کردند و سرانجام ذات ملی خود را حفظ نموده و به استقلال سیاسی نیز نائل شده‌اند. در دوران تسلط تازیان بر ایران با اینکه آنان آئین بسیار ارزنده‌ای را با خود همراه آوردند مع الوصف ایرانیان برای رهائی از قید آنان با برها کردن نهضت‌های مختلف دینی، ادبی، هنری، علمی، فلسفی و غیره به مقابله شتافتند و با توجه به سوابق درخشانی که در این باب داشتند موفقیت‌هایی چشمگیر یافتند. از جمله از اواسط قرن دوم تا اوایل قرن چهارم هجری که سلسله‌های ایرانی در اکناف ایران تأسیس شد و فشار و تسلط بیگانه را بر انداخت، چندین مذهب مختلف در نقاط متعدد ایران توسط ایرانیان بوجود آمد که گاهی اساس آن متکی بر نفاق و تفرقه در میان مسلمانان و افتراق

عقیده ایرانیان با سایر مسلمین بود تا بدین وسیله ایران از سلطه بیگانه رها شود. شعوبیه و نیز باطنیان آن زمان جز ایرانیان نبودند و گاهی هم رجعت به سوی عقاید زرتشتی و احیای ایران قدیم اساس نهضت را تشکیل میداد. در مدت صد و پنجاه سال نظیر نهضت‌های ابومسلم خراسانی در اوایل قرن دوم، بهافرید در همان زمان و ظهور غالیان و سنیاد در خراسان و جهیم بن صفوان در ترند و اسحق توك در ماوراءالنهر و راوندیه در عراق و جمعیت (اسب نوبتی) و ظهور استاد ذسیس در هرات و بادغیس در سیستان و نهضت مقنع و سپیدجامگان در ماوراءالنهر در سال ۱۵۹ هجری و ظهور بابک خرم‌دین و اصحاب او به اسم (سرخ‌علم) در سال ۲۰۱ هجری و همچنین مازیار طبرستانی و افشین اسروشنی و ظهور عبدالله بن کرام در خراسان و تأسیس مذهب کرامیه در اوایل قرن سوم و نهضت قرمطیان در خوزستان و بحرین در همان زمان و اصحاب صاحب الزنج در سال ۲۵۵ هجری در همان نواحی و زیدی شدن تمام مردم طبرستان در سال ۲۵۱ هجری و آغاز کار فرقه‌ای از صوفیه به توسط صوفیان متفکر ایرانی از جمله حسین بن منصور حلاج در اواخر قرن سوم هجری و نهضت‌های مشابه دیگر، همه برای آن بوده است که ایرانیان میکوشیده‌اند تا از فشار حکومت عرب خود را رها کنند و به حکومت مستقل ملی سیاسی و فکری خود مانند گذشته ادامه دهند و بهمین جهت مدت نزدیک به سیصدسال در میان ایرانیان مغلوب و تازیان غالب در سراسر ایران کشمکش دائمی در میان بود و سرانجام ایرانیان مأموریت خطیر ملی خود را انجام دادند و تأثیر عمیق خود را در کلیه امور تمدن، باصطلاح اسلامی، باقی گذاردند. از لحاظ تأثیر فکری نیز پس از قرن‌ها تلاش و کوشش پی گیر مذهب و آئینی که مورد توجه و حمایت عموم مردم ایران است در این سرزمین متداول گردید که در حقیقت نتیجه تلفیقی عمیق و دقیق و قابل تقدیس از مذهب اسلام و آئین و عقاید دیرین ایرانیان است که با در نظر گرفتن حقانیت علی بن ابیطالب (ع) و فرزندان حق گو و حق جو و پرهیزگارش در اسلام و اعتقادات کهن و قابل توجه و قبول عمومی ایرانیان پایه گذاری شده است. دلایل غیر قابل انکار این تلفیق ارزنده ملی و دینی بسیار است و مظاهر آشکار و روشن آنرا میتوان در آداب و رسوم متداول اکثریت مردم ایران که همان شیعیان باشند مشاهده کرد. از جمله اعتقاد به آخرین منجی که در مقررات آئین زرتشت نیز هست و مطابقت داشتن جزئیات مقدمات ظهور منجی مورد بحث که در کتابهای اخبار شیعیان آمده است. دیگر فتره ایزدی است که برای ائمه دوازده گانه در نظر گرفته شده و نوشته‌اند که در بالای سر آنان نوریزدانی بچشم میخورد، چنانکه در تصاویر خیالی که برای امامان در نظر گرفته شده این نور را بطور خیلی واضح تجسم داده و مینمایند. همچنین برقراری مقررات شمع افروزی در زیارتگاههای متعدد تحت عناوین دخیل گاه و نذر گاه و معجز گاه و مقابر متبرکه که به تعداد بسیار در تمام نقاط ایران حتی

در کوچکترین دهکده‌ها وجود دارد و این شمع افروزی جزو اعتقادات غیر قابل تغییر ایمانی عموم ایرانیان است. دیگر مظاهر تلفیق و تألیف مذهبی مورد بحث، اعتقادات مختلف در فروع دین و معاد است مثلاً آمدن ستن از فرشتگان بر بالین مردگان در شب اول مرگ و تلاش در مطابقت دادن روز تعیین یا جلوس حضرت علی (ع) امام اول شیعیان به خلافت با اول فروردین و همچنین صلوات فرستادن ایرانیان در موقع روشن شدن شمع یا چراغ در محوطه تاریک و قسم خوردن آنان به آتش و تنور گرم و گذاردن قرآن و آئینه و بخصوص شمعدان و آب و سبزه بر سر سفره و خنجره عقد و ازدواج و برگزاری اعیاد مختلف ایرانی مانند نوروز، مهرگان، سده، چهارشنبه سوری و غیره که همه آنها نشانه بسیار بارز و ارزنده‌ای از اعتقاد و دلبستگی عمیق و غیر قابل تغییر ایرانیان به آئین کهن ملی خود میباشد که پس از گذشت قرن‌ها در اثر توجه عمیق و شدید نژاد سرافراز ایرانی محفوظ و پایدار مانده است.

(پایان)



## دیگران گشتند و ما خوردیم ما میکاریم دیگران بخورند

شهریارا، آن شنیدستی که روزی در شکار  
 پیر دهقان، جو زبن میکشت. باوی گفت شاه:  
 جو زبن، گویند نارد کمتر از سی سال بار  
 گفت ما خوردیم بر، از کشته‌های رفته‌ها  
 شاه را از وی خوش آمد این سخن، گفتا که زه!  
 پیر گفت، از کشت گیری، بر، بسی سال آورد  
 شاه کسری، باردیگر، بهر تحسین گفت زه!

امیر سید پسرالدین محمود ابن یحیی

قرن هشتم هجری قمری